( 156 )

هو الابهی

ای متضرعه الی الله جناب حلیل جلیل خواهش این تقریر فرمودند ولی چه نویسم که از آن بوجد و طرب آئی و بشوق و وله درآئی جز ذکر حضرت دوست هر وقت ظلمت احزان هجوم نماید ذکر جمال قدم کن تا روشنائی کاشانه قلب را احاطه کند پژمردگی و افسردگی زائل گردد و لطافت و طراوت بی‌منتها حاصل شود و در ظل عنایت اسم اعظم مسرور و مستبشر باش و پر روح و ریحان گرد الحمد لله جام آمالت از صهبای عطا لبریز است دیگر چه خواهی و چه جوئی بشارت اندر بشارتست و فرح اندر فرح و علیک البهآء (ع ع)